



# Asylum in Imami Jurisprudence and International Refugee Law A Comparative Study with Emphasis on the 1951 Convention Relating to the Status of Refugees and the 1967 Protocol

Ahmad Reza Khazaei<sup>1\*</sup>

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:** Original Research

**Pages:** 77-85

**Corresponding Author's Info:**

**ORCID:** 0000-0003-3137-0496

**TELL:** +98124354998

**Email:** Dr.khazaei46@yahoo.com

## Article History:

**Received:** 02 Mar 2024

**Revised:** 21 Apr 2024

**Accepted:** 22 May 2024

**Published online:** 21 Jun 2024

## Keywords:

Refugee, Asylum Seeker, Asylum, Principle of non-Refoulement, 1951 Convention.

## ABSTRACT

Asylum is one of the fundamental institutions of international protection for persons who, due to a well-founded fear of persecution, are unable or unwilling to avail themselves of the protection of their state of origin. The 1951 Convention relating to the Status of Refugees and the 1967 Protocol constitute the main framework of international refugee law. In contrast, Imami jurisprudence lacks an institution that is fully consistent with the modern concept of "refugee", but institutions such as *amān* and *ahd*, as well as rules such as self-preservation, keeping a promise, non-harm and prohibition of oppression, have significant protective capacities. The research question is to what extent a systematic and defensible relationship can be established between these jurisprudential capacities and the fundamental rules of international refugee law. The research examines the elements of well-founded fear, persecution, the five aspects, the conditions for deprivation of refugee status using a descriptive-analytical method and a comparative approach, and then compares the functioning of the *amān* institution and the general rules of Imami jurisprudence with them. The findings show that the closest convergence between the two systems is observed in the protective goal of security of life and the prohibition of placing a person in a dangerous situation; however, safety cannot be considered the legal equivalent of asylum, and verse 6 of Surah At-Tawbah alone is not the complete basis for the principle of non-refoulement within the meaning of Article 33 of the Convention.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Khazaei, AR (2024). "Asylum in Imami Jurisprudence and International Refugee Law A Comparative Study with Emphasis on the 1951 Convention Relating to the Status of Refugees and the 1967 Protocol". *Journal of International Criminal Law*, 2(2): 77-85.



# فصلنامه حقوق خزای بین الملل

www.iclj.ir



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

## پناهندگی در فقه امامیه و حقوق بین الملل پناهندگان

### مطالعه تطبیقی با تأکید بر کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷

احمد رضا خزائی<sup>\*۱</sup>

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

پناهندگی یکی از نهادهای اساسی حمایت بین المللی از اشخاصی است که به سبب ترس موجه از تعقیب، نمی توانند یا نمی خواهند از حمایت دولت متبوع خود بهره مند شوند. کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷، چارچوب اصلی حقوق بین الملل پناهندگان را تشکیل می دهند؛ در مقابل، فقه امامیه فاقد نهادی کاملاً منطبق با مفهوم مدرن «پناهنده» است، اما نهادهایی مانند امان و عهد و نیز قواعدی چون حفظ نفس، وفای به عهد، لاضرر و حرمت ظلم، ظرفیت های حمایتی قابل توجهی دارند. مسأله پژوهش آن است که تا چه اندازه می توان میان این ظرفیت های فقهی و قواعد بنیادین حقوق بین الملل پناهندگان رابطه ای روشمند و قابل دفاع برقرار کرد. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، عناصر ترس موجه، تعقیب، جهات پنجگانه، شروط محرومیت از وصف پناهنده بررسی می کند و سپس کارکرد نهاد امان و قواعد عام فقه امامیه را با آنها می سنجد. یافته ها نشان می دهد نزدیک ترین همگرایی میان دو نظام در هدف حمایتی، امنیت جان و منع سپردن شخص به وضعیت خطرناک قابل مشاهده است؛ با این حال، امان را نمی توان معادل حقوقی پناهندگی دانست و آیه ۶ سوره توبه نیز به تنهایی مبنای کامل اصل عدم بازگرداندن به مفهوم ماده ۳۳ کنوانسیون نیست. نتیجه آن است که فقه امامیه می تواند منبع تفسیری و هنجاری برای تقویت حمایت از پناهندگان باشد، اما این همسویی باید بر پایه، تفکیک مفاهیم و رعایت حدود تعهدات حقوق بین المللی انجام شود.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۷-۸۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۳-۳۱۳۷-۰۴۹۶

تلفن: ۹۸۱۲۴۳۵۴۹۹۸+

ایمیل: Dr.khazaei46@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

پناهنده، پناهجو، امان، اصل عدم بازگرداندن، کنوانسیون ۱۹۵۱.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به صورت غیر تجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

## مقدمه

پناهندگی در حقوق معاصر صرفاً مسأله‌ای بشردوستانه نیست، بلکه نهادی حقوقی است که مرز میان حاکمیت دولت‌ها در کنترل ورود و اقامت بیگانگان و تعهدات آنها در حمایت از اشخاص در معرض تعقیب را ترسیم می‌کند. کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان، در کنار پروتکل ۱۹۶۷، مهم‌ترین چارچوب قراردادی جهانی در این حوزه است. این نظام علاوه بر تعریف پناهنده، مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را در زمینه وضعیت شخصی، دسترسی به دادگاه، اشتغال، آموزش، اسناد هویتی، آزادی رفت‌وآمد و منع اخراج و بازگرداندن پیش‌بینی می‌کند.

با این همه، در مطالعات فقهی گاه تلاش شده است مفاهیم کلاسیکی مانند «مستأمن»، «ذمی» و «معاهد» بدون توجه کافی به بستر تاریخی و ساختار حقوقی آنها، معادل نهاد پناهندگی در حقوق بین‌الملل معرفی شوند. چنین تطبیقی از منظر روش‌شناسی حقوق تطبیقی محل اشکال است. پناهندگی مدرن با نظام دولت-ملت، تابعیت، حمایت دیپلماتیک، مرز سرزمینی و تعهدات قراردادی چندجانبه پیوند دارد؛ درحالی‌که نهادهای کلاسیک فقهی در ساختار حقوقی متفاوتی شکل گرفته‌اند. از این‌رو، پرسش درست نه این است که «کدام نهاد فقهی دقیقاً همان پناهندگی است»، بلکه این است که «کدام قواعد و نهادهای فقهی می‌توانند از حیث کارکرد حمایتی، پشتوانه تفسیر و اجرای حمایت از پناهندگان باشند».

اهمیت این پرسش برای حقوق ایران دوچندان است. ایران در سال ۱۹۷۶ به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ ملحق شد، اما نسبت به برخی مواد کنوانسیون حق شرط اعلام کرد. افزون بر این، آیین‌نامه مربوط به پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ پیش از الحاق ایران به کنوانسیون، چارچوبی داخلی برای شناسایی و حمایت از پناهندگان ایجاد کرده بود. بنابراین، بحث از فقه و پناهندگی در ایران نباید منفک از تعهدات قراردادی و مقررات داخلی انجام شود.

سؤال اصلی پژوهش این است که مبانی و نهادهای فقه امامیه تا چه اندازه با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل پناهندگان، به‌ویژه

تعریف پناهنده، اصل عدم بازگرداندن و حمایت از اشخاص در معرض خطر، قابلیت هم‌سویی دارند؟ فرضیه پژوهش آن است که میان دو نظام در «هدف حمایتی» و برخی اصول مانند صیانت از جان، وفای به امان و منع ظلم، اشتراک کارکردی وجود دارد؛ اما این اشتراک به معنای انطباق کامل مفاهیم و آثار حقوقی نیست. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است و از منابع فقه امامیه، اسناد بین‌المللی و ادبیات معتبر حقوق پناهندگان بهره می‌گیرد.

## ۱- چارچوب مفهومی و حقوقی پناهندگی

## ۱-۱- تمایز پناهنده، پناهجو و مهاجر اجباری

در حقوق بین‌الملل، «پناهنده» وصفی حقوقی است و هر شخصی که به علت جنگ، فقر، بلایای طبیعی یا ناامنی از کشور خود خارج شده باشد، لزوماً در تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ قرار نمی‌گیرد. بر اساس ماده ۱ (A)(2) کنوانسیون، شخص باید خارج از کشور متبوع، یا در مورد بی‌تابعیت‌ها، خارج از کشور محل اقامت عادی سابق خود باشد؛ ترس او از تعقیب موجه باشد؛ تعقیب با یکی از پنج جهت نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی پیوند داشته باشد؛ و شخص به علت همان ترس، قادر یا مایل به استفاده از حمایت کشور مربوط نباشد.

«پناهجو» شخصی است که درخواست حمایت بین‌المللی کرده اما هنوز وضعیت او به‌طور نهایی احراز نشده است. در مقابل، عنوان کلی «مهاجر اجباری» می‌تواند گروه‌های گسترده‌تری را دربرگیرد که بعضی از آنها ممکن است تحت اسناد منطقه‌ای، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه یا ترتیبات حمایتی دیگر قرار گیرند، بی‌آنکه الزاماً واجد تعریف کنوانسیون پناهنده باشند. این تفکیک در مقاله ضروری است؛ زیرا تعمیم تعریف پناهنده به هر شخص گریخته از «تهدید علیه جان یا امنیت» از دقت حقوقی می‌کاهد.

## ۱-۲- جایگاه کنوانسیون ۱۹۵۱، پروتکل ۱۹۶۷ و وضعیت

## ایران

کنوانسیون ۱۹۵۱ در شکل اولیه خود با محدودیت زمانی مربوط به رخداد‌های پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ تنظیم شده بود. پروتکل ۱۹۶۷ این محدودیت زمانی را در روابط میان

این ارزیابی ماهیتی آینده‌نگر دارد. بنابراین، نبود تعقیب در گذشته مانع احراز ترس موجه نیست؛ هرچند سابقه آزار می‌تواند قرینه مهمی باشد. همچنین اگر عامل خطر غیردولتی باشد، مسأله اساسی آن است که آیا دولت مبدأ قادر و مایل به ارائه حمایت مؤثر است یا خیر.

## ۲-۲- مفهوم تعقیب و رابطه آن با جهات پنج‌گانه

کنوانسیون تعریف جامعی از «تعقیب» ارائه نمی‌کند. در تفسیر معاصر، تعقیب می‌تواند از نقض شدید یک حق بنیادین یا از انباشت مجموعه‌ای از تبعیض‌ها و محدودیت‌ها ناشی شود که در مجموع به سطح آسیب جدی می‌رسند. شکنجه، بازداشت خودسرانه شدید، خشونت جدی، تهدید مؤثر علیه جان یا آزادی و برخی اشکال تبعیض سازمان‌یافته از مصادیق محتمل‌اند؛ اما هر تبعیض یا دشواری اجتماعی لزوماً تعقیب نیست.

ضروری است میان «وجود آسیب جدی» و «جهت کنوانسیونی» رابطه‌ای حقوقی برقرار باشد. تعقیب باید به سبب نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی رخ دهد. این رابطه که در ادبیات حقوق پناهندگان از آن با عنوان Nexus یاد می‌شود، یکی از عناصر اساسی تعریف است. از این‌رو، ناامنی عمومی یا خشونت گسترده، بدون احراز این پیوند، لزوماً برای شناسایی شخص به‌عنوان پناهنده تحت تعریف ۱۹۵۱ کافی نیست؛ هرچند ممکن است حمایت‌های دیگری قابل اعمال باشند.

## ۲-۳- پنج جهت تعقیب

**الف) نژاد:** مفهوم نژاد در تفسیر پناهندگی محدود به ویژگی‌های زیستی نیست و می‌تواند عناصر قومی، تبار و تعلقات مشابه را نیز در برگیرد. تبعیض شدید یا خشونت که به سبب تعلق فرد به چنین گروهی اعمال شود، در صورت وجود سایر شرایط، می‌تواند مبنای شناسایی پناهندگی باشد.

**ب) مذهب:** جهت مذهب می‌تواند اعتقاد، عدم اعتقاد، تغییر دین، شیوه عمل به باور دینی یا نسبت دادن یک هویت مذهبی به شخص را در برگیرد. موضوع اصلی این است که خطر تعقیب با این هویت یا باور پیوند داشته باشد، نه اینکه مرجع پناهندگی درباره درستی یا نادرستی عقیده داوری کند.

دولت‌های عضو پروتکل کنار گذاشت و قلمرو شخصی نظام حمایت را جهانی‌تر ساخت. از این‌رو، در تحلیل امروزی، معمولاً از «کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷» به‌عنوان مجموعه به‌هم‌پیوسته حقوق پناهندگان یاد می‌شود.

ایران در ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۶ به کنوانسیون ۱۹۵۱ ملحق شد و به پروتکل ۱۹۶۷ نیز پیوست. ایران هنگام الحاق اعلام کرد مقررات مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ -به ترتیب درباره اشتغال مزدبگیری، امداد عمومی، قوانین کار و تأمین اجتماعی و آزادی رفت‌وآمد- را در حد توصیه تلقی می‌کند. همچنین در مواردی که کنوانسیون رفتار «کامله‌الوداد» را نسبت به پناهندگان مقرر می‌کند، ایران نسبت به امتیازات ناشی از برخی توافقات منطقه ای، گمرکی، اقتصادی یا سیاسی حق شرط اعلام کرده است. این حق شرط‌ها باید در هر ادعایی درباره دامنه تعهدات ایران مورد توجه قرار گیرند.

پیش از الحاق به کنوانسیون، هیئت وزیران ایران در سال ۱۳۴۲ آیین‌نامه‌ای درباره پناهندگان تصویب کرده بود. این آیین‌نامه تعریف داخلی پناهنده و اصل منع بازگرداندن شخص به سرزمینی را که جان یا آزادی وی به دلایل مشخص در معرض خطر است، مورد شناسایی قرار می‌دهد. تعریف این آیین‌نامه دقیقاً با ماده ۱ کنوانسیون یکسان نیست؛ از جمله «ملیت» را به‌عنوان جهت مستقل تعقیب ذکر نمی‌کند. بنابراین، حقوق ایران در این حوزه حاصل تعامل مقررات داخلی و تعهدات بین‌المللی است.

## ۲- تعریف پناهنده و عناصر آن در حقوق بین‌الملل

### ۲-۱- ترس موجه از تعقیب

«ترس موجه» ترکیبی از وضعیت شخصی متقاضی و ارزیابی عینی خطر است. صرف اضطراب یا نگرانی ذهنی برای احراز پناهندگی کافی نیست، همان‌گونه که الزام به ارائه دلیل قطعی و قریب‌الیقین نیز با ماهیت پیش‌بینانه رسیدگی سازگار نیست. مرجع تصمیم‌گیر باید بر پایه اظهارات متقاضی، وضعیت فردی او، اطلاعات معتبر درباره کشور مبدأ و تجربه اشخاصی که در وضعیت مشابه قرار دارند، بررسی کند آیا امکان معقولی برای وقوع آسیب تعقیب‌آمیز در صورت بازگشت وجود دارد یا خیر.

حضور یا محکومیت قطعی به جرم بسیار سنگین و ایجاد خطر برای جامعه، نتواند به حمایت ماده (۱)۳۳ استناد کند. بنابراین، «تهدید امنیت عمومی» را نباید به‌عنوان یکی از بندهای ماده F1 معرفی کرد.

افزون بر این، حتی در مواردی که استثنای ماده (۲)۳۳ مطرح شود، تعهدات مستقل دولت تحت سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل، به‌ویژه ممنوعیت بازگرداندن شخص به خطر شکنجه در حقوق بشر، باید جداگانه بررسی شود. از این‌رو، نتیجه حقوقی هر پرونده را نمی‌توان صرفاً با ارجاع به کنوانسیون ۱۹۵۱ تعیین کرد.

### ۳- نهادهای فقه امامیه و ظرفیت‌های حمایتی ۳-۱- امان و مستأمن

واژه «پناهنده» به مفهوم حقوقی معاصر در متون کلاسیک فقه امامیه وجود ندارد. نزدیک‌ترین نهاد از حیث اعطای امنیت به بیگانه، «امان» است. مستأمن کسی است که بر پایه امان، به‌طور موقت از امنیت جان و مال در قلمرو حکومت اسلامی برخوردار می‌شود. مباحث فقها درباره شخص اعطاکننده امان، مدت و قلمرو آن، آثار نقض امان و تکلیف حکومت نسبت به مستأمن نشان می‌دهد که وفای به امنیت اعطاشده، اصلی جدی در این نهاد است.

با این‌حال، مستأمن را نباید معادل پناهنده دانست. انگیزه ورود مستأمن ممکن است تجارت، سفر، پیام‌رسانی یا سایر اهداف باشد و شرط «ترس موجه از تعقیب به یکی از جهات پنج‌گانه» در ماهیت امان وجود ندارد. در مقابل، پناهندگی کنوانسیون وضعیت حقوقی است که از تحقق عناصر مشخص ماده ۱ ناشی می‌شود و مجموعه‌ای از حقوق قراردادی را به‌دنبال دارد. بنابراین، رابطه میان امان و پناهندگی «کارکردی» است، نه «هم‌هویتی».

### ۳-۲- ذمه و عهد؛ مفاهیم مجاور و نه معادل

نهاد ذمه نیز از منظر تاریخی سازوکاری برای تنظیم وضعیت اقامت و حمایت از برخی غیرمسلمانان در قلمرو حکومت اسلامی بوده است. با این‌حال، ماهیت نسبتاً پایدار ذمه، شرایط

ج) ملیت: ملیت در این زمینه فقط تابعیت رسمی نیست و در برخی موارد می‌تواند تعلق به گروه ملی، زبانی یا قومی را نیز پوشش دهد. این جهت در آیین‌نامه ۱۳۴۲ ایران به صراحت در شمار جهات تعریف داخلی نیامده و همین امر یکی از تفاوت‌های مهم میان متن داخلی و کنوانسیون است.

د) عضویت در گروه اجتماعی خاص: این عنوان از پیچیده‌ترین جهات کنوانسیون است. در تفسیرهای معتبر، گروه اجتماعی خاص معمولاً با توجه به ویژگی بنیادین یا تغییرناپذیر اعضا و یا ادراک اجتماعی از گروه سنجیده می‌شود. ادعاهای مبتنی بر جنسیت، خانواده یا برخی وضعیت‌های اجتماعی ممکن است، بسته به اوضاع پرونده و نظام تفسیری، در این قالب بررسی شوند. عضویت صرف در یک دسته اجتماعی بدون احراز خطر تعقیب و رابطه سببی کافی نیست.

ه) عقیده سیاسی: عقیده سیاسی هم باور واقعی و هم باوری را که به شخص نسبت داده می‌شود در برمی‌گیرد؛ بنابراین، اگر حکومت یا عامل تعقیب فرد را به اشتباه مخالف سیاسی بداند و به همین سبب او را در معرض تعقیب قرار دهد، عنصر جهت سیاسی می‌تواند محقق باشد.

### ۲-۴- شروط محرومیت، پایان وضعیت پناهندگی و استثنای ماده (۲)۳۳

یکی از نقاطی که در تحلیل حقوقی باید با دقت تفکیک شود، تفاوت میان «محرومیت از وصف پناهنده» و «محدودیت در بهره‌مندی از اصل عدم بازگرداندن» است. ماده F1 کنوانسیون مقرر می‌کند افرادی که دلایل جدی برای اعتقاد به ارتکاب جنایت علیه صلح، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، جرم سنگین غیرسیاسی در خارج از کشور پناه قبل از پذیرش به‌عنوان پناهنده، یا اعمال مغایر با اهداف و اصول ملل متحد درباره آنان وجود دارد، از حمایت کنوانسیون به‌عنوان پناهنده محروم می‌شوند. اعمال این ماده استثنایی است و نیازمند ارزیابی فردی و دقیق رفتار و مسؤولیت شخص است.

این وضعیت با ماده (۲)۳۳ متفاوت است. ماده (۲)۳۳ درباره شخصی سخن می‌گوید که ممکن است اصولاً پناهنده باشد، اما در شرایط محدود به‌دلیل خطر برای امنیت کشور محل

نسبت به افرادی دارند که بازگشت آنان به وضعیت خطرناک می‌تواند به آسیب شدید منجر شود.

با وجود این، استفاده از قواعد عام نباید به معنای نادیده گرفتن اختلاف‌نظرهای فقهی، حدود موضوعی قواعد یا شرایط اعمال آنها باشد. در مقاله علمی بهتر است به جای ادعای وجود «قاعده فقهی آماده و کاملاً مساوی با پناهندگی»، از قابلیت اجتهادی این قواعد برای ساختن مبنای حمایتی سخن گفته شود.

#### ۴- تحلیل تطبیقی فقه امامیه و کنوانسیون ۱۹۵۱

##### ۴-۱- تفاوت در منشأ، ساختار و موضوع حمایت

حقوق بین‌الملل پناهندگان بر تعهدات قراردادی دولت‌ها، حقوق بشر و ساختار دولت - ملت استوار است و تعیین وضعیت پناهندگی را به عناصر حقوقی نسبتاً مدون پیوند می‌زند. در مقابل، حمایت در فقه امامیه از مجموعه‌ای از نهادهای خاص و قواعد عام شرعی استنباط می‌شود. این تفاوت در منشأ الزام، آثار مهمی برای مقایسه دارد و اجازه نمی‌دهد اصطلاحات دو نظام بدون واسطه جانشین یکدیگر شوند.

با این همه، هر دو نظام می‌توانند در سطح هدف، نسبت به امنیت شخصی که بدون حمایت مؤثر در معرض آسیب نارواست حساس باشند. نقطه مشترک اصلی نه در تعریف اشخاص، بلکه در ارزش حمایتی امنیت جان، وفای به تعهد و منع تعرض قابل مشاهده است.

##### ۴-۲- اصل عدم بازگرداندن و حمایت فقهی از شخص در معرض خطر

اصل عدم بازگرداندن، هسته عملی نظام حمایت از پناهندگان است. ماده ۳۳(۱) کنوانسیون، اخراج یا بازگرداندن پناهنده به مرزهای سرزمینی را که در آن جان یا آزادی وی به سبب نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی در معرض تهدید است، ممنوع می‌کند. این اصل باید از حق ورود یا حق دریافت تابعیت متمایز شود؛ منع بازگرداندن الزاماً به معنای اعطای حق اقامت دائمی نیست.

در فقه امامیه، وفای به امان و ضرورت رساندن شخص مورد امان به محل امن، همراه با قواعد حفظ نفس و منع ظلم، می‌تواند پشتوانه‌ای برای نفی تحویل یا اخراج شخص به

تاریخی خاص و آثار ویژه آن موجب می‌شود نتوان آن را به عنوان صورت فقهی پناهندگی مدرن معرفی کرد.

همین ملاحظه درباره «معاهد» صادق است. تعهد به وفای پیمان و حمایت از شخص یا گروهی که تحت عهد معتبر قرار دارد، می‌تواند از حیث مبنای اخلاقی-حقوقی حمایت مورد توجه باشد، اما ساختار آن با تعیین وضعیت فردی پناهنده متفاوت است. استفاده علمی از این مفاهیم ایجاب می‌کند از تطبیق لفظی و مستقیم پرهیز و بر کارکردهای مشترک مانند ایجاد امنیت، وفای به تعهد و منع تعرض تمرکز شود.

##### ۳-۳- آیه ۶ سوره توبه و حدود استناد به آن

آیه ۶ سوره توبه یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در مباحث امان است. مضمون آیه آن است که اگر یکی از مشارکان درخواست پناه و امان کند، به او امان داده شود و سپس به محل امن رسانده شود. از منظر فقهی، این آیه می‌تواند بر مشروعیت و لزوم رعایت امان و ضرورت تأمین امنیت شخصی که تحت حمایت قرار گرفته دلالت کند.

با این حال، از منظر حقوق تطبیقی باید از یکسان دانستن این حکم با اصل عدم بازگرداندن در ماده ۳۳ کنوانسیون پرهیز کرد. ماده ۳۳ یک تعهد حقوق بین‌المللی مشخص درباره منع اخراج یا بازگرداندن پناهنده به قلمرویی است که جان یا آزادی او به سبب یکی از جهات کنوانسیونی در معرض تهدید باشد؛ درحالی که آیه مزبور در بستر متفاوتی ناظر بر امان و رساندن شخص به «مأمن» است. می‌توان میان این دو، شباهت کارکردی در صیانت از شخص و انتقال او به وضعیت امن مشاهده کرد، اما استخراج یک قاعده کاملاً منطبق با non-Refoulement نیازمند استدلال فقهی تکمیلی و استفاده از سایر قواعد و مبانی است.

##### ۳-۴- قواعد عام: حفظ نفس، لاضرر، وفای به عهد و منع ظلم

علاوه بر نهاد امان، قواعد عام فقهی می‌توانند در تبیین حمایت از اشخاص در معرض خطر نقش داشته باشند. اهمیت حفظ نفس محترمه، اصل وفای به عهد و منع اضرار ناروا از مبانی قابل استنادند. همچنین آموزه‌های مربوط به عدالت و حمایت از مظلوم، ظرفیت هنجاری مهمی برای توجیه سیاست حمایتی



در حد توصیه تلقی کرده است. از این‌رو، نتیجه‌گیری درباره تعهد قراردادی ایران نسبت به اشتغال مزدبگیری، امداد عمومی، قوانین کار و تأمین اجتماعی و آزادی رفت‌وآمد باید با لحاظ این اعلام صورت گیرد. در عین حال، حقوق داخلی، قانون اساسی، قوانین عادی و سایر تعهدات حقوق بشری ممکن است مستقل از این مواد، حمایت‌هایی ایجاد کنند.

#### ۴-۵- امنیت عمومی، محرومیت از حمایت و پایان امان

هم کنوانسیون و هم فقه برای حمایت حدودی می‌شناسند، اما این حدود یکسان نیستند. در حقوق کنوانسیونی، ماده F1 درباره محرومیت از وصف پناهنده و ماده ۳۳(۲) درباره استثنای محدود بر حمایت ماده ۳۳ دو سازوکار متفاوت‌اند. همچنین مواد ۳۲ و سایر مقررات مربوط به اخراج پناهنده دارای اقامت قانونی، تضمین‌های ویژه‌ای را مقرر می‌کنند.

در فقه، نقض شروط امان یا رفتارهایی که با ماهیت و حدود امان تعارض اساسی دارند ممکن است بر استمرار آن اثر بگذارند. با این‌حال، نمی‌توان اصطلاحاتی چون جاسوسی، محاربه یا اخلال امنیتی را بدون تبیین شرایط فقهی و بدون تفکیک از سازوکارهای کنوانسیون، معادل مواد F1 یا ۳۳(۲) دانست. مقایسه علمی باید نشان دهد که هر نظام با چه معیار، مرجع و ضمانت اجرایی حمایت را محدود می‌کند.

#### ۵- حقوق ایران و امکان بهره‌گیری از فقه امامیه

حقوق ایران در حوزه پناهندگی دارای سه لایه اصلی است: مقررات داخلی از جمله آیین‌نامه ۱۳۴۲، قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ و اصول و قواعد کلی حقوق داخلی از جمله اصل ۱۵۵ قانون اساسی درباره امکان اعطای پناهندگی سیاسی با استثنای مقرر در همان اصل. از این‌رو، توسعه حقوق پناهندگان در ایران باید از رهگذر هماهنگ‌سازی این لایه‌ها و نه جایگزین کردن یکی با دیگری صورت گیرد.

فقه امامیه می‌تواند در این فرآیند دست‌کم در سه سطح نقش داشته باشد: نخست، ارائه مبنای ارزشی و هنجاری برای حمایت از جان و امنیت اشخاص در معرض خطر؛ دوم، تفسیر قواعد داخلی در جهت وفای به تعهدات معتبر بین‌المللی بر پایه اصل وفای به عهد؛ و سوم، کمک به تنظیم مقرراتی که در

وضعیت خطرناک فراهم کند. با این‌حال، دامنه شخصی، جهات خطر و استثنائات این حمایت باید به‌طور مستقل از منابع فقهی استنباط شود و نباید ماده ۳۳ را بدون تحلیل به منابع فقهی نسبت داد.

#### ۴-۳- ورود یا حضور غیرمجاز و ماده ۳۱ کنوانسیون

ماده ۳۱ کنوانسیون یکی از جلوه‌های مهم واقع‌گرایی حقوق پناهندگان است. این ماده دولت‌ها را از اعمال مجازات کیفری صرفاً به سبب ورود یا حضور غیرمجاز بر برخی پناهندگانی که مستقیماً از سرزمینی آمده‌اند که در آن جان یا آزادی آنان تهدید می‌شده، به‌سرعت خود را به مقامات معرفی کرده و دلیل موجهی برای ورود یا حضور غیرمجاز ارائه می‌کنند، منع می‌کند. بنابراین، تعبیر اینکه «کنوانسیون ورود غیرقانونی را مجاز نمی‌داند» اگر بدون توضیح این مصونیت از مجازات بیان شود، ناقص است.

در فقه، قواعد اضطرار، عسر و حرج و حفظ نفس می‌توانند در ارزیابی رفتار شخصی که برای گریز از خطر ناگزیر از عبور یا ورود بدون رعایت تشریفات عادی شده مؤثر باشند. مقایسه در اینجا نیز باید کارکردی باشد: ماده ۳۱ یک قاعده قراردادی با شروط صریح است، درحالی‌که در فقه باید اثر اضطرار و ضرورت بر مسؤولیت شخص از طریق قواعد مربوط استنباط شود.

#### ۴-۴- حقوق پناهندگان و حق شرط‌های ایران

کنوانسیون ۱۹۵۱ تنها سند تعریف پناهنده نیست؛ بخش مهمی از آن به وضعیت حقوقی شخص پس از شناسایی اختصاص دارد. دسترسی به دادگاه‌ها، آموزش، اسناد هویتی، اشتغال، امداد عمومی، تأمین اجتماعی و آزادی رفت‌وآمد از جمله موضوعات آنند. در مقایسه فقهی، می‌توان برای حمایت از جان، مال، حق دادخواهی و امنیت مستأمن مبانی روشنی یافت؛ اما درباره دامنه حقوق اجتماعی و اقتصادی، باید میان فقه کلاسیک، حقوق اساسی معاصر و تعهدات قراردادی دولت تفکیک کرد.

در خصوص ایران، تحلیل این حقوق بدون اشاره به حق شرط‌ها ناقص است. ایران مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ را در هنگام الحاق

حوزه‌های سکوت یا ابهام، میان مقتضیات امنیتی و ضرورت‌های انسانی توازن برقرار کند.

در عین حال، هر پیشنهاد اصلاحی باید تفاوت میان «پناهنده» و سایر گروه‌های اتباع خارجی را حفظ کند و فرآیند تعیین وضعیت، دلایل رد، امکان بازبینی تصمیم، آثار شناسایی، اخراج و بازگشت را روشن سازد. همچنین تفکیک میان وضعیت پناهندگان شناخته‌شده و اشخاص دارای انواع دیگر مدارک اقامتی یا حمایتی برای انسجام حقوقی ضروری است.

پیشنهاد می‌شود در بازنگری مقررات داخلی، تعریف پناهنده با تعهدات قراردادی ایران هماهنگ‌تر شود؛ اصل عدم بازگرداندن با بیان دقیق دامنه و نسبت آن با سایر تعهدات حقوق بشری تصریح گردد؛ تشریفات تعیین وضعیت و امکان اعتراض مؤثر روشن شود؛ و جایگاه حق شرط‌های ایران و نیز حقوقی که از منابع دیگر حقوق داخلی یا بین‌المللی ناشی می‌شوند، به شکل شفاف از یکدیگر تفکیک شوند.

### نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حقوق بین‌الملل پناهندگان نشان می‌دهد که همگرایی میان این دو نظام، واقعی اما محدود و موضوع‌محور است. فقه امامیه نهادی کاملاً متناظر با پناهندگی مدرن ندارد و «مستأمن» نیز از نظر مبنا، شرایط ایجاد و آثار حقوقی با «پناهنده» کنوانسیون یکسان نیست. با این حال، امان، وفای به عهد، صیانت از جان و منع ظلم، ظرفیت هنجاری مهمی برای حمایت از شخص در معرض خطر فراهم می‌کنند.

از منظر حقوق بین‌الملل، تعریف پناهنده باید با عناصر ماده ۱ (۲) (A) سنجیده شود و نباید هر شخص گریخته از جنگ، فقر یا ناامنی را بدون احراز رابطه با جهات کنوانسیون، پناهنده به معنای ۱۹۵۱ دانست. همچنین تفکیک میان ماده F1 و ماده ۳۳ (۲) ضروری است؛ اولی درباره محرومیت از وصف پناهنده در موارد استثنایی است و دومی استثنایی محدود بر اصل عدم بازگرداندن برای برخی پناهندگان. ماده ۳۱ نیز در شرایط مقرر، از مجازات پناهنده صرفاً به سبب ورود یا حضور غیرمجاز جلوگیری می‌کند.

در بخش فقهی، آیه ۶ سوره توبه می‌تواند مبنایی مهم برای نهاد امان و لزوم رساندن شخص به مأمن باشد، اما تبدیل آن به معادل کامل اصل عدم بازگرداندن، بدون استدلال فقهی تکمیلی، دقیق نیست. شباهت صحیح در این سطح «کارکردی» است: هر دو از قرار دادن شخص تحت حمایت در وضعیت ناامن جلوگیری می‌کنند، ولی قلمرو، شرایط و منبع الزام متفاوت است.

در مورد ایران، الحاق به کنوانسیون و پروتکل در سال ۱۹۷۶، حق شرط نسبت به مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ و وجود آیین‌نامه ۱۳۴۲ باید در مرکز تحلیل قرار گیرد. از این رو، توسعه الگوی بومی حمایت از پناهندگان نه با کنار گذاشتن حقوق بین‌الملل و نه با یکسان‌سازی صوری مفاهیم فقهی و کنوانسیون، بلکه از طریق تفسیر منسجم تعهدات ایران با استفاده از ظرفیت‌های فقه امامیه امکان‌پذیر است.

در نهایت، ارزش افزوده رویکرد تطبیقی زمانی آشکار می‌شود که به‌جای اثبات «یکسانی» دو نظام، نقاط اشتراک، تفاوت و حدود انتقال مفاهیم را مشخص کند. چنین رویکردی می‌تواند هم اعتبار فقهی تحلیل را افزایش دهد و هم از منظر حقوق بین‌الملل، مقاله را در برابر ایرادهای روش‌شناختی و داوری علمی مقاوم‌تر سازد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله توسط نویسنده مسؤول انجام گرفته است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.



*Refugee Status and Guidelines on International Protection under the 1951 Convention and the 1967 Protocol Relating to the Status of Refugees.* Geneva: UNHCR.

- United Nations Treaty Collection (2026). *Convention Relating to the Status of Refugees: Status, Declarations and Reservations.* New York: United Nations.

- United Nations Treaty Collection (2026). *Protocol Relating to the Status of Refugees: Status of Parties.* New York: United Nations

- هیئت وزیران ایران (۱۳۴۲). *آیین نامه مربوط به پناهندگان*، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳، تهران: هیئت وزیران.

- مجلس شورای ملی ایران (۱۳۵۵). *قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن*، مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۵۵، تهران: روزنامه رسمی کشور.

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، اصل ۱۵۵، تهران: مجلس خبرگان قانون اساسی.

#### ج. منابع انگلیسی

- Goodwin-Gill, G. S & McAdam, J (2021). *The Refugee in International Law* (4th ed.). Oxford: Oxford University Press.

- Hathaway, J. C (2005). *The Rights of Refugees under International Law.* Cambridge: Cambridge University Press.

- Hathaway, J. C & Foster, M (2014). *The Law of Refugee Status* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

- Lauterpacht, E & Bethlehem, D (Eds.). (2003). *Refugee Protection in International Law: UNHCR's Global Consultations on International Protection.* Cambridge: Cambridge University Press.

- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR). (2019). *Guidelines on International Protection: Gender-Related Persecution within the Context of Article 1A(2) of the 1951 Convention and/or Its 1967 Protocol Relating to the Status of Refugees.* Geneva: UNHCR.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۹ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مطبعة أمیر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۵ق). *القواعد الفقهية*. قم: مدرسه الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳). *القواعد الفقهية*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

##### ب. اسناد حقوقی

- United Nations (1951). *Convention Relating to the Status of Refugees.* Geneva, 28 July 1951. United Nations Treaty Series, Vol. 189, p. 137.

- United Nations (1967). *Protocol Relating to the Status of Refugees.* New York, 31 January 1967. United Nations Treaty Series, Vol. 606, p. 267.

- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) (2019). *Handbook on Procedures and Criteria for Determining*